



عکس: ایران

که تقریباً تمام کسانی که دستی در تدوین و تهیه قوانین بانکی داشته‌اند، با آن مواجه شده‌اند. در این میان، نظرات متفاوت و متضادی وجود دارد. واقعیت این است که صندوق بین‌المللی پول به تمام کشورهای اعضای این صندوق خدمات فنی و مشاوره‌ای می‌دهد و البته اعضا نیز برای انجام برخی از کارها باید مقررات صندوق را رعایت کنند. ابهامی که در این زمینه وجود دارد، این است: اگر قرار باشد بانکداری اسلامی به معنای واقعی کلمه در کشوری به مرحله اجرا برسد، این موضوع چه واکنشی را از سوی مجامع بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی خواهد داشت؟ آیا این کار عدول یا خروج از چهارچوب‌های این صندوق به شمار نمی‌آید؟ برای مثال، اسدالله امیراصلانی به عنوان معاون بانکی وزارت اقتصاد و یکی از افراد مؤثر در تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا در این باره می‌گوید: «وقتی قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب شد، موجب شگفتی صندوق بین‌المللی پول گردید.»

ایرج توتونچیان در این باره معتقد است: «از آنجا که امیراصلانی در آن مقطع زمانی معاون بانک و بیمه وزارت اقتصاد بود، شاید مکاتباتی میان او و صندوق بین‌المللی شکل گرفته باشد که من از آن بی‌اطلاع باشم؛ اما از آنجا که ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول است، صندوق این حق را دارد که از تحولات بانکی در ایران مطلع شود؛ دلیلش هم این است که باید تمام معاملات همگن باشند؛ یعنی صندوق باید بدانند ایران برای کارهای ساختمانی یا کشاورزی و... چه میزان تسهیلات پرداخت می‌کند. حالا اگر قرار باشد بانکداری اسلامی به معنای واقعی کلمه اجرا و این تسهیلات با عقد واقعی مشارکت پرداخت شود، این همگن بودن به هم می‌ریزد. این یکی از مواردی بود که می‌توانست به مشکلی برای پذیرش قانون عملیات بانکی بدون ربا از سوی صندوق بین‌المللی پول تبدیل شود.»

توتونچیان در پاسخ به این سؤال که چرا چنین ابهام یا مخالفتی در زمان اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا از سوی صندوق بین‌المللی پول

مشاهده نشد، می‌گوید: «به نظر من وقتی بین طرف ایرانی و نمایندگان صندوق مذاکره صورت می‌گیرد، با توضیحات نماینده بانک مرکزی، آنها مطمئن می‌شوند که قرار نیست اتفاق خاصی در نظام بانکداری ایران رخ دهد، بلکه همه چیز همانند بانکداری مرسوم دنیا خواهد بود. وقتی آنها به این باور می‌رسند، مخالفتی هم با اجرای این قانون در ایران نمی‌کنند.»

توتونچیان از این موضوع به عنوان یکی از موانع اجرای بانکداری بدون ربا در ایران نام برده و می‌گوید: «اگرچه این موضوع می‌تواند یکی از موانع بالقوه برای اجرای بانکداری اسلامی در ایران باشد، اما تمام این مسائل به قدرت چانه‌زنی طرف ایرانی بستگی دارد. مجله بنکر در گزارشی می‌نویسد، تمام عملیات بانک‌های ایرانی صد درصد اسلامی است؛ اما آیا آنچه این مجله می‌نویسد، واقعیت دارد و تمام عملیات‌های بانکی در ایران اسلامی است؟ به نظرم، نوعی تعهد به صندوق بین‌المللی پول داده شده که جای نگرانی نیست، ما همانند شما و به روش شما عمل خواهیم کرد و صرفاً یک کاور اسلامی روی فعالیت‌هایمان خواهیم داشت.»

میرجلیلی نیز در فصل پنجم کتاب پیش‌رو به این موضوع پرداخته و از ارسال پیش‌نویس قانون بانکداری به صندوق بین‌المللی پول خیر می‌دهد. با این حال، میرجلیلی نظر متفاوتی دارد، او می‌گوید: «وقتی پیش‌نویس قانون بانکداری نهایی شد، دوستان حاضر در شورا

ضمن تعریف و تمجید از پیش‌نویس آماده شده گفتند بهتر است این پیش‌نویس را محک بزنیم؛ لذا تصمیم گرفتیم این قانون را به بخش حقوقی صندوق بین‌المللی پول ارسال و نظر آنها را راجع به پیش‌نویس جویا شویم. از آنجا که صندوق بین‌المللی پول به تمام بانک‌های دنیا خدمات فنی و حقوقی می‌دهد، طبیعتاً با تمام بانک‌های مرکزی کشورهای عضو رابطه دارد. بدین ترتیب از طریق بانک مرکزی و با نامه‌ای رسمی این قانون را به بخش حقوقی صندوق بین‌المللی پول ارسال کردیم. صندوق نیز در پاسخ ما ضمن تحسین مان برای تدوین این پیش‌نویس، نکات جزئی را درباره پیش‌نویس تهیه شده مطرح کرد؛ نکاتی که آنها را در جلسات بعدی‌مان بررسی کردیم. نتیجه ارسال پیش‌نویس و پاسخ صندوق برای ما این بود که وقتی صندوق بین‌المللی پول با این تعداد از کارشناسان بین‌المللی به کار ما ایراد اساسی نگرفته، به این معناست که کار ما خوب بوده است.»

میرجلیلی در پاسخ به این سؤال که آیا صندوق بین‌المللی به لحاظ ماهیتی نباید با اجرای قوانین بانکداری اسلامی مخالف باشد، می‌گوید: «هدف اصلی ما از ارسال پیش‌نویس به صندوق این بود که بدانیم آیا کار ما از نظر شیوه قانون نویسی نقضی دارد یا نه؟ اما اینکه آنها بخواهند به خاطر بانکداری اسلامی با پیش‌نویس ما مخالفت کنند، این طور نیست. بانکداری در هر کشوری باید با نظام بانکی سایر کشورها کار کند؛ لذا دغدغه اصلی آنها در بررسی‌هایی که انجام می‌دهند، این است که همه ابعاد بانکداری در قوانین کشورها دیده شود تا این سیستم با مشکل مواجه نشود. از طرفی خوشبختانه بانکداری اسلامی براساس تجربه‌های این سال‌ها توانسته به‌راحتی با بقیه دنیا کار کند. حتی زمانی که نماینده ایران در بانک جهانی بودم، بنا به تقاضای کشورهای اسلامی تمام وام‌هایی که بانک جهانی به این کشورها می‌داد، براساس عقود اسلامی بود و هیچ مشکلی در این زمینه وجود نداشت.»

بعدها خروجی لایحه بانک مرکزی به دولت رفت که خود این موضوع ماجراهایی دارد که به اواخر دهه ۸۰ مربوط است. در آن ایام، هم طرح تحول اقتصادی جدی‌تر شده بود و هم سیدشمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد بود. از طرفی چون حسینی قبلاً مسئول طرح تحول اقتصادی بود، زمانی که به وزارت رسید، دکتر فرزین معاون اقتصادی وزارتخانه شد و از آن به بعد طرح تحول بانکی از سوی او دنبال می‌شد. از حوالی سال ۹۰ تا توجه به رویکرد حاکمیتی، جلسات مداومی برای جمع‌بندی تمام طرح‌های تحول بانکی در معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد در ریاست دکتر فرزین تشکیل می‌شد. عیوضلو درباره این جلسات می‌گوید: «جلسات خوبی بود، علاوه بر کارشناسان وزارت اقتصاد، افرادی از بانک مرکزی و مدیران بانک‌ها نیز در این جلسات شرکت می‌کردند. در آن جلسات علاوه بر دو لایحه بانک مرکزی، طرح شش محوری تحول بانکی، طرح بیدآباد و طرح شورای هماهنگی بانک‌ها نیز مورد بررسی مجدد قرار گرفت و روی تک تک آنها اظهاراتی صورت گرفته و گاهی تغییراتی اعمال شد. علاوه بر ما که به نمایندگی از شورای هماهنگی بانک‌ها در این جلسات حاضر بودیم و نمایندگان از دستگاه‌های دولتی و بانک مرکزی، یک سری از نخبگان بانکی نیز به‌صورت شخصیت حقیقی در این جلسات حضور داشتند که باعث



بعد از مطرح شدن موضوع طرح تحول اقتصادی، معاونت بانکی وزارت اقتصاد نیز فعالیت‌هایی در این زمینه انجام داد که البته چندان عمیق نبود. علاوه بر معاونت بانکی وزارت اقتصاد، بانک مرکزی نیز علاوه بر پیگیری لوایح خود تحت عنوان بازنگری قوانین پولی و بانکی کشور، طرحی را با ۶ محور دنبال می‌کرد که سه محور آن به عنوان طرح تحول بانکی مطرح بود.

شد این جلسات بسیار خوب و گسترده برگزار شود. در واقع، در آن جلسات همه گروه‌هایی که در این موضوع کار کرده بودند، حضور داشتند و به ارائه گزارش می‌پرداختند؛ هم بانک مرکزی از لوایح دولتی خود و هم گروه آقای بیدآباد از طرح بانکی خود تحت عنوان بانکداری راستین گزارش داد و هم ما چند جلسه‌ای را درباره طرح تحول ساختاری گزارش دادیم. به هر حال، موضوع طرح تحول نظام بانکی در آن مقطع جدی بود و از آنجا که وزارت اقتصاد می‌خواست به جمع‌بندی برسد، برای این کار هفته‌ای دو تا سه جلسه تشکیل می‌شد.»

«در آنجا یک کارگروه محدودتر متشکل از فرزین و تیم معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد، بنده و یکی از اعضای هیأت مدیره بانک ملی و یک نفر هم به نمایندگی از وزارت اقتصاد تشکیل شد که کل مطالعات و گزارشات را جمع‌بندی کردیم. خروجی این جمع‌بندی همان طرح اصلاح نظام بانکی بود؛ یعنی یک خروجی آن همین پاورپوینتی بود که به دولت رفت و دو لایحه مجزا هم جمع‌بندی کل اقدامات بانک مرکزی بود. حتی در همایشی در سال ۹۰ که از سوی شورای هماهنگی بانک‌ها و کارگروه طرح تحول ساختاری در مرکز همایش‌های صدا و سیما برگزار شد و افراد مختلفی از سوی دولت نیز در این همایش حضور داشتند، به رغم توجهاتی که به خروجی کار معاونت اقتصادی و شورای هماهنگی بانک‌ها وجود داشت، اما در نهایت از آنجا که آن زمان آقای خاوری مسئول شورای هماهنگی بانک‌ها بود، بعد از ماجرای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی همه چیز به حاشیه رفت و ما اجرا عملاً مسکوت ماند.»

بانکداری راستین نام ایده‌ای بود که بیژن بیدآباد به عنوان یکی از اقتصاددانان فعال در حوزه اقتصاد اسلامی آن را مطرح و حتی مدلی نیز برای عملیاتی شدن آن ارائه کرده و در یکی از جلسات که در راستای تدوین پیش‌نویس قانون بانکداری در اواخر دهه ۸۰ برگزار می‌شود، طرح خود را در حضور مسئولان نظام بانکی و کارشناسان حاضر تشریح می‌کند؛ طرحی که به گواه حاضران در آن جلسه به رغم مطالعات زیادی که برای تدوین آن انجام شده بود، بیشتر جنبه تئوری داشته و برای عملیاتی شدن تدوین نشده بود. این ایده بعدها در قالب یک کتاب سه جلدی تحت عنوان بانکداری راستین در سال ۹۵ از سوی وی منتشر می‌شود.

به گفته بیدآباد، این طرح حاصل پانزده سال مطالعه وی در حوزه اقتصاد اسلامی و در رابطه با حل مشکلات بانکی کشور و طراحی نظام بانکداری اسلامی واقعی است. جلد اول کتاب بانکداری راستین حاوی مباحث نظری همچون قفه ربا، ماهیت عملیات بانکی، شرکت بانک غیررئوی، شرکت سهامی با سرمایه متغیر، ادوار تجاری و بانکداری، نوسانات اقتصادی و نظام بانکی، اقتصاد اخلاق و اسراف، اقتصاد اخلاقی و تذبذب، مدیریت‌داری و بدهی، بانکداری مرکزی، اوراق قرضه بدون ربا، جواز اوراق قرضه بدون ربا، گواهی قرض‌الحسنه پس‌انداز، اوراق خزانه بدون ربا، بیمه، تکافل،



## موافقت IMF با اجرای قانون بانکداری بدون ربا در ایران



توتونچیان در پاسخ به این سؤال که چرا چنین ابهام یا مخالفتی در زمان اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا از سوی صندوق بین‌المللی پول مشاهده نشد، می‌گوید: «به نظر من وقتی بین طرف ایرانی و نمایندگان صندوق مذاکره صورت می‌گیرد، با توضیحات نماینده بانک مرکزی، آنها مطمئن می‌شوند که قرار نیست اتفاق خاصی در نظام بانکداری ایران رخ دهد، بلکه همه چیز همانند بانکداری مرسوم دنیا خواهد بود. وقتی آنها به این باور می‌رسند، مخالفتی هم با اجرای این قانون در ایران نمی‌کنند.»

فناوری اطلاعات و ارتباطات است. جلد دوم نیز به مباحث کاربردی مربوط می‌شود و در رابطه با سیستم پایه مشارکت راستین (PLS)، مشارکت مالی جعله، مشارکت مالی مضاربه، مشارکت مالی مقاسطه، مشارکت مالی امانی، تأمین مالی گروهی، مشارکت مالی اجاره، تأمین شخصی راستین، تکافل اجتماعی راستین، تأمین مالی حامی، تأمین وام جمعی، اوراق مبادله راستین، سپرده مبادله راستین، کارت مبادله راستین، بازار گواهی راستین، سامانه تأمین جمعی، پروتکل برداشت بین بانکی، تبدیل‌داری به اوراق بیدار، تهاثر تعهدات پشت سرهم، بازرسی و پایش عملیات، سامانه ثبت وثیقه، تسویه اوراق بدون کاغذ غیررئوی، سیستم کشف پولشویی، مدیریت عملیات و فرایندها، محصولات بیمه، جلوگیری از اسراف منابع، شفافیت، حکمرانی و افشای اطلاعات بانکی، اجرای مفاد اسناد لازم الاجرا، حسابداری مشارکت، سازمان و تسهیلات صحبت شده است.

سومین جلد کتاب بانکداری راستین نیز به مباحث اجرایی همچون مدیریت تغییر و تحول بانکی، بازاریابی تأمین مالی، پروژه‌های تکمیلی، نرم‌افزارهای تکمیلی، آموزش و پژوهش، لایحه بانکداری راستین، آیین‌نامه اجرایی بانکداری راستین، مراحل اجرای پایلوت و راه حل اصلاح نظام بانکی اختصاص یافته است.

بیدآباد در سال ۹۱ در جلسه‌ای درباره این طرح می‌گوید: «از حدود چهار سال پیش که اجرای «بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین» را در بانک ملی آغاز کردم، اگرچه در ابتدا پذیرفتن این مسأله برای پرسنل بانک بسیار سخت بود، اما پس از مدتی که به صحت این نوع عملیات بانکی پی می‌بردند، آن را به راحتی می‌پذیرفتند و بشدت حامی آن می‌شدند؛ تا آنجا که وسعت کار بیشتر و بیشتری شد و هم‌اکنون چند هزار نفر در این بانک با این شیوه بانکداری آشنا شده‌اند و همه آن را پذیرفته‌اند. من این را از آثار اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌دانم؛ چرا که این افراد از پیش آموختند که ربا حرام است. به نظر من، قانون عملیات بانکی بدون ربا در این سال‌ها توانسته یک زمینه عقیدتی ایجاد کند. اما اکنون لازم است که سیستم‌هایی طراحی و اجرا شوند که کاملاً بدون ربا باشند، پس از آن تازه می‌توان زمینه‌ای را فراهم کرد که بانکداری اسلامی، تمام سطوح بانکی از بانکداری قرض‌الحسنه، خطرپذیر و تأمین مالی خُرد گرفته تا بانکداری سرمایه‌گذاری، تجاری، تخصصی و بانکداری مرکزی را پوشش دهد. پس باید در سطوح مختلف بانکداری، از بانکداری مرکزی تا تأمین مالی خُرد و قرض‌الحسنه راه حل‌های بانکداری بدون ربا را طراحی کرد. تا این راه حل‌ها ایجاد نشود، نمی‌توان از شرایط فعلی به سمت شرایط بانکی بدون ربا و سپس بانکداری اسلامی حرکت کرد؛ یعنی با قانون عملیات بانکی بدون ربا، در شرایط فعلی آن و با سازکارهای فعلی نمی‌توان به حذف واقعی ربا رسید، مگر آنکه سیستم فعلی اصلاح شود.» موضوعی که در نهایت محقق نشده و بعد از بررسی‌های ابتدایی در بانک ملی عملاً کنار گذاشته شده و به فرجام نمی‌رسد.